



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی

عنوان :

اجرای احکام مدنی و اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

استاد راهنما :

دکتر محمد مولودی

استاد مشاور :

دکتر محمدعلی صلح چی

نگارنده :

محمد حضرتی

(زمستان ۱۳۹۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر

سپاس قلبی خود را از استاد راهنمای گرامی « جناب آقای دکتر محمد مولودی» و استاد مشاور « جناب آقای دکتر محمدعلی صلح چی » که با راهنمایی های مفید و سازنده خود بنده را در تدوین این پروژه تحقیقاتی یاری فرمودند ابراز می دارم.

نشانه های اختصاری

ق.م.....قانون مدنی

ق.م.ع.....قانون محاسبات عمومی

ق.ش.....قانون شهرداری ها

ق.ا.ا.م.....قانون اجرای احکام مدنی

ق.د.ع.ا.....قانون دیوان عدالت اداری

ق.ا.د.م.....قانون آیین دادرسی مدنی

ق.س.ا.د.م.....قانون سابق آیین دادرسی مدنی

ق.ت.....قانون تجارت

ق.ث.....قانون ثبت

ق.ا.ح.....قانون امور حسبی

ق.م.خ.ک.....قانون مدیریت خدمات کشوری

فهرست اجمالی مطالب

عنوان
صفحه

بخش اول : کلیات

.....۷	گفتار اول: مفهوم ، تعریف و انواع اجرای احکام
.....۱۳	گفتار دوم: تعریف اجرای احکام جزائی، مدنی، اداری و شرایط اجرای احکام مدنی و اداری
.....۲۳	گفتار سوم: انواع اشخاص و تعریف آنان
.....۲۶	گفتار چهارم: انواع اشخاص حقوقی ، تعریف و ویژگی های آنان
.....۳۲	گفتار پنجم: طبقه بندی اشخاص حقوقی حقوق عمومی

بخش دوم: اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

.....۴۶	گفتار اول: اصول و قواعد قانونی اجرای احکام مدنی
.....۴۹	گفتار دوم: قوانین خاص نحوه اجرای احکام علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی
.....۵۳	گفتار سوم: اشخاص حقوقی مشمول قانون و شرایط استفاده از آن
.....۵۹	گفتار چهارم: مفهوم دولت، تعریف و اقسام اموال دولتی و اصول حاکم بر آن
.....۶۷	گفتار پنجم: اشخاص حقوقی مشمول قانون و شرایط استفاده از آن
.....۷۲	گفتار ششم: اقسام اموال شهرداری

بخش سوم: اجرای احکام اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

.....۷۷	گفتار اول: مراجع صالح رسیدگی به دعاوی اداری
.....۸۲	گفتار دوم: تعریف و ویژگی های دادگاه های اختصاصی اداری
.....۸۷	گفتار سوم: ویژگی های دیوان عدالت اداری و صلاحیت آن در رابطه خواهان و خوانده
.....۹۳	گفتار چهارم: تقسیم بندی دادگاههای اختصاصی اداری
.....۹۵	گفتار پنجم: صلاحیت دیوان عدالت اداری و انواع دعاوی قابل طرح در دیوان
.....۹۷	گفتار ششم: اجرای احکام اداری در قانون سابق و فعلی دیوان عدالت اداری

.....۱۰۷	نتیجه
----------	-------

پیشنهادات:

۱:۸.....

فهرست تفصیلی مطالب

..... ۱	چکیده
..... ۲	مقدمه
..... ۴	الف: بیان مسئله
..... ۴	ب: سؤال تحقیق
..... ۴	ج: فرضیه
..... ۴	د: سوابق مربوط به تحقیق
..... ۵	هناهداف کلی
	بخش اول: کلیات
..... ۷	گفتار اول: مفهوم، تعریف و انواع اجرای احکام
..... ۷	بند اول: مفهوم اجرای احکام
..... ۸	بند دوم: تعریف اجرای حکم
..... ۹	بند سوم- انواع اجرای احکام
..... ۱۳	گفتار دوم: تعریف اجرای احکام جزایی، مدنی، اداری و شرایط اجرای احکام مدنی و اداری
..... ۱۳	بند اول: تعریف اجرای احکام جزایی، مدنی و اداری
..... ۱۴	بند دوم: شرایط اجرای احکام مدنی و اداری
..... ۱۴	۱- شرایط اجرای احکام مدنی

۲- شرایط اجرای احکام اداری

۲۱

گفتار سوم: انواع اشخاص و تعریف آنان

۲۳

بند اول: تعریف اشخاص حقوقی طبیعی:

۲۴

بند دوم: تعریف اشخاص حقوقی:

۲۴

گفتار چهارم: انواع اشخاص حقوقی، تعریف و ویژگی های آنان

۲۶

بند اول: انواع اشخاص حقوقی و تعاریف آنها

۲۶

بند دوم: ویژگی های اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

۲۷

گفتار پنجم: طبقه بندی اشخاص حقوقی حقوق عمومی

۳۲

بند اول: دولت

۳۳

بند دوم: شوراها محلی:

۳۵

بند سوم: موسسات دولتی:

۳۵

بند چهارم: شرکت های دولتی

۳۷

بند پنجم: موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی:

۴۰

بند ششم: اشخاص حقوقی حقوق خصوصی برخوردار از امتیازات اشخاص حقوق عمومی

۴۴

بخش دوم: اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی

گفتار اول: اصول و قواعد قانونی اجرای احکام مدنی

۴۶

بند اول: اصل عدم تفاوت میان محکوم علیه از حیث چگونگی و زمان اجرای حکم:

۴۶

بند دوم: اصل فوریت اجرای حکم

۴۶

بند سوم: اصل تداوم عملیات اجرایی و عدم تاخیر اجرای حکم

۴۷

.....۴۹	گفتار دوم: قوانین خاص نحوه اجرای احکام علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی
.....۵۳	گفتار سوم: اشخاص حقوقی مشمول قانون و شرایط استفاده از آن
.....۵۳	بند اول: وزارتخانه ها و موسسات دولتی
.....۵۵	بند دوم: شرایط استفاده از فرصت مقرر در قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامين و توقیف اموال دولتی
.....۵۹	گفتار چهارم: مفهوم دولت، تعریف و اقسام اموال دولتی و اصول حاکم بر آن
.....۵۹	بند اول: مفهوم دولت
.....۶۱	بند دوم: تعریف اموال دولتی
.....۶۱	بند سوم: اقسام اموال دولتی
.....۶۶	بند چهارم: اصول حاکم بر اموال عمومی (اموال دولتی به معنی اعم)
.....۶۷	گفتار پنجم: اشخاص حقوقی مشمول قانون و شرایط استفاده از آن
.....۶۸	بند اول: شهرداری ها
.....۶۹	بند دوم: شرایط استفاده از فرصت مقرر در قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غی منقول متعلق به شهرداری ها
.....۷۲	گفتار ششم: اقسام اموال شهرداری
.....۷۲	بند اول: تبصره ۶ ماده ۹۶ (قانون شهرداری)
.....۷۳	بند دوم: ماده ۴۵ آیین نامه مالی شهرداری ها مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۲
.....۷۷	بخش سوم: اجرای احکام اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی
.....۷۷	گفتار اول: مراجع صالح رسیدگی به دعاوی اداری
.....۸۲	گفتار دوم: تعریف و ویژگی های دادگاههای اختصاصی ری

.....۸۲.....	بند اول: تعریف دادگاههای اختصاصی اداری
.....۸۴.....	بند دوم: ویژگی های دادگاههای اختصاص اداری
.....۸۷.....	گفتار سوم: ویژگی های دیوان عدالت اداری و صلاحیت آن در رابطه خواهان و خوانده
.....۸۷.....	بند اول: ویژگی های دیوان عدالت اداری
.....۸۸.....	بند دوم: صلاحیت دیوان در رابطه خواهان
.....۹۱.....	بند سوم: صلاحیت دیوان در رابطه با خوانده
.....۹۳.....	گفتار چهارم: تقسیم بندی دادگاههای اختصاصی اداری
.....۹۳.....	بند اول: دادگاه های اختصاصی اداری شبه حقوقی
.....۹۴.....	بند دوم: دادگاه های اختصاصی اداری شبه کفوری
.....۹۵.....	گفتار پنجم: صلاحیت دیوان عدالت اداری و انواع دعاوی قابل طرح در دیوان
.....۹۵.....	بند اول: صلاحیت دیوان عدالت اداری
.....۹۶.....	بند دوم: انواع دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری
.....۹۷.....	گفتار ششم: اجرای احکام اداری در قانون سابق و فعلی دیوان عدالت اداری
.....۹۸.....	بند اول: اجرای احکام در قانون سابق دیوان عدالت اداری
.....۱:۶.....	بند سوم: اجرای احکام اداری در قانون فعلی دیوان عدالت اداری
.....۱:۷.....	نتیجه
.....۱:۸.....	پیشنهادات:

چکیده

با صدور حکم در دعاوی مدنی و اداری، اصولاً اجرای آن باید با رعایت شرایط و تشریفات مندرج در قانون اجرای احکام مدنی و قوانین مربوط باشد که قوانین مزبور فوریت اجرای احکام را، مورد حکم قرار داده اند. اما قوانینی در این زمینه وضع شده که به برخی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی مهلت اضافی برای اجرای احکامی که علیه آنها صادر شده است، داده که داشتن مهلت های طولانی برای اجرای احکام، با هدف و فلسفه دادرسی و لازم الاجرا بودن احکام در تعارض است.

با توجه عناوین و مفاد این قوانین، برخی از دستگاههای اجرایی مشمول این قوانین هستند و مراجع ذی ربط با توجه به شرایط مقرر در قوانین مزبور می توانند به استناد آنها، اجرای حکم را به تأخیر اندازند. همچنین قوانین مزبور برای متخلفین و سوء استفاده کنندگان از این قوانین، مجازاتی مقرر نموده اند. لذا در این تحقیق به بررسی قوانین خاص و استثناء که در زمینه ی اجرای احکام به تصویب رسیده اند و مسائل و موضوعاتی که در زمینه اجرای احکام است، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

مقدمه

اجرای حکم غایت و هدف نهایی دادرسی است. به عبارتی دیگر، شخصی که حق یا حقوق او تضییع یا مورد انکار قرار گرفته و جهت احقاق حق به محکمه مراجعه کرده است، می خواهد به آنچه از دست داده برسد. و در غالب موارد صرف صدور حکم مقصود او را تأمین نمی کند اگر هم حکم دادگاه به اجراء منتهی نشود اجرای عدالت محقق نخواهد شد. به تعبیر دیگر، می توان گفت اجرای حکم مهمتر از دادرسی و صدور حکم است و در نتیجه ی اجرای حکم است که حق به صاحب آن رسانده می شود. بنابراین، اجرای حکم به جهت تحقق آن، اهمیت ویژه ای دارد^۱.

در همین راستا، از بین قوای سه گانه هر حکومت، قوه قضائیه در تأمین عدالت، امنیت و سعادت جامعه نقشی مؤثر، برجسته و محوری دارد. ایفای نقش مؤثر و برجسته قوه قضائیه مستلزم وجود قضاتی مجرب با دانش قضایی لازم است که با بی طرفی کامل و به دور از هر گونه جانب داری و گرایش مبادرت به رسیدگی و صدور رای نمایند و احکام صادره از سوی آنان را، طوعاً و با طیب خاطر گردن نهند. ملتسفانه در بسیاری از موارد محکوم علیه به حکم تسلیم نمی گردد و نیاز به اجرای آن از طریق مأمورین

^۱ - علی مهاجری، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، (تهران: انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۸)، جلد اول، ص ۹.

اجراست و همواره اجرای احکام محاکم یکی از مسائل بغرنج و از دغدغه های دستگاه قضایی بوده است.

با توجه به اصل فوریت اجرای احکام مدنی و اداری ، اگر قرار باشد احکام مراجع قضایی اجراء نشود و یا در پیچ و خم اداری از حرکت باز ایستد و یا حرکت آن کند شود یا محکوم علیه به وسایلی متوسل شود تا امر اجراء به تاخیر انجامد آیا می توان به دستگاه قضایی که مرجع تظلمات عمومی و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و احیای حقوق عامه است چشم امید داشت؟ قانون اجرای احکام مدنی (م ۳۴ قانون) و قانون دیوان عدالت اداری (م ۳۴ قانون) از حیث چگونگی و زمان اجرای حکم هیچ تفاوتی میان اشخاص محکوم علیه قائل نشده اند. ولی در مورد محکوم علیه که وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و شهرداری ها باشد قوانینی وضع شده که وضعیتی خاص را به وجود آورده است که با اصول قانون اجرای احکام مدنی و قانون دیوان عدالت اداری در تضاد و باعث تاخیر اجرای حکم می شوند.

یکی از قوانین (قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی) مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵ و قانون دیگر (قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداری ها) مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ می باشد .

از آنجا که اشخاص حقوقی حقوق عمومی در وضعیتی متفاوت از سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی قرار دارند نگارنده را بر آن داشت تا در زمینه ی اجرای احکام مدنی و اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی تحقیقی ارائه دهم .

بیان مسئله

احکام صادره از مراجع قضایی و شبه قضایی باید علیه محکوم علیه اجرا شود. عدم اجراء احکام علیه محکوم علیه به فلسفه و هدف احکامی که از مراجع مزبور صادر می شود، لطمه و آن را پوچ و بی معنا میکند. حال مادر جامعه با دو نوع اشخاص سر و کار داریم: ۱- اشخاص حقیقی ۲- اشخاص حقوقی، اشخاص حقوقی خود به دو دسته یعنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی تقسیم می شوند.

اشخاص حقوقی حقوق عمومی و وضعیتی متفاوت با سایر اشخاص و از امتیاز قدرت عمومی برخوردارند. اشخاص حقوقی حقوق عمومی که واجد چنین خصیصه ای هستند اجرای احکام علیه این اشخاص به چه نحو است؟ و چه قانون یا قوانینی در اجرای احکام علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی مورد عمل قرار می گیرد؟

سؤال تحقیق

آیا اشخاص حقوقی حقوق عمومی هم همانند اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی تابع قانون اجرای احکام هستند؟ یا قوانین خاص دیگری برای اجرای احکام علیه آنها وجود دارد؟

فرضیه

بله قانون اجرای احکام شامل تمام اشخاص میشود ولی راجع به اشخاص حقوقی حقوق عمومی قوانین خاص دیگری هم تصویب شده است.

سوابق مربوط به تحقیق

در زمینه ی تحقیق مورد نظر کتاب یا رساله ای که بصورت کاملاً تخصصی به شرح و تبیین مسأله ((اجرای احکام مدنی و اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی)) پرداخته باشد یافت نشد. فقط در برخی کتابهای حقوقی به ارائه ی تعریف یا توضیحاتی بسیار محدود از این مسأله پرداخته شده است و کتاب یا تحقیق خاصی در قالب این موضوع نگاشته نشده است و فقط در زمینه تحقیق مورد نظر مقاله ای تحت عنوان «اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی و موانع و راهکارها توسط ولی رستقی و کیومرث سپهری تدوین شده است.

اهداف کلی

انجام هر پروژه ی تحقیقاتی ، صرف نظر از موضوع آن دارای اهدافی می باشد که ضرورت بحث در آن حوزه را ایجاب میکند. به عبارت دیگر تحقیق در خصوص موضوعات مختلف باید به حل مشکلی از مشکلات زندگی انسان کمک کند. پژوهش مورد نظر نیز از این امر فارغ نبوده و دارای اهداف ذیل می باشد:

۱- بررسی قوانین خاص و استثناء که در زمینه اجرای احکام وضع شده است

۲- تحقیق در مورد آن دسته از اصول و قواعدی که در مورد اجرای احکام علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی وجود دارد.

۳- گردآوری مطالب و مسائل مربوط به موضوع مورد تحقیق که در منابع مختلف پراکنده می باشد.

سازماندهی تحقیق

تحقیق مورد بررسی در سه بخش تدوین و تنظیم شده است که به قرار زیر می باشد.

بخش اول به بررسی کلیات موضوع مورد بحث پرداخته شده است

بخش دوم به بررسی اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی پرداخته شده است

بخش سوم به بررسی اجرای احکام اداری علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی پرداخته شده است.

دلیلی که بنده را بر این داشت که پروژه ی تحقیقاتی را به سه بخش تقسیم نمایم این بود که مجهولاتی که در زمینه ی این موضوع تحقیق وجود داشت، در غالب همین سه بخش بود که بنده با تقسیم بندی این موضوع در سه بخش در صدد پاسخ گویی بر این مجهولات بر آمدم.

بخش اول

کلیات

گفتار اول: مفهوم، تعریف و انواع اجرای احکام

بند اول: مفهوم اجرای احکام

قبل از اینکه مفهوم اجرای احکام بیان شود لازم است که مفهوم اجراء دانسته شود.

(اجراء) به کسره همزه در لغت به معنی راندن، روان ساختن و جاری کردن^۲، انجام دادن^۳، به جریان

انداختن و اقدام به اعمالی برای به مرحله عمل در آوردن حکم قضایی است.^۴

در اصطلاح به کار بردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه ها و مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی

را اجرا گویند.^۵

لازم است به این نکته نیز اشاره شود که کلمه ی اجراء، در موارد متعدد به کار رفته و مختص اجراء

حکم نیست. برای مثال اجرای اسناد رسمی، اجرای مالیاتی و .. که به دلیل ارتباط با بحث به آنها

پرداخته نمی شود.

اگر صدور حکم پشتوانه اجرایی نداشته باشد نوشته ای بیش نیست، در واقع محکوم له در مرحله اجرای

حکم است که طعم شیرین احقاق حق و در را در یافته و از زحمات دادگستری قدردانی می کند و

محکوم علیه هم در می یابد که چگونه زیرپا گذاردن حقوق دیگران بی جزا نخواهد ماند.

۲- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، (تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲)، ص ۹۰.

۳- آذرنوش آذرتاش و مرتضی شیرازی، مجمع اللغات (فرهنگ مصطلحات به چهار زبان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ ۴)، ص ۱۵.

۴- سید حمید طبیبیان، فرهنگ لاروس، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، جلد اول)، ص ۴۹.

۵- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳)، ص ۹.

اما اجرای حکم در دو معنا و مفهوم عام و خاص استعمال شده است . معنی عام شامل اجرای حکم و دستور و قرارهای دادگاه و مراجع قضایی است و مفهوم خاص اجرای حکم ، فقط احکام را در برمی گیرد.^۶

بند دوم: تعریف اجرای حکم

قانون اجرای احکام مدنی و قانون دیوان عدالت اداری تعریفی از اجرای احکام ارائه نداده اند، اساتید حقوق تعاریف زیادی از اجرای احکام نموده اند، در مطالعه آثار تعدادی از مولفین و علمای حقوق با تعاریفی از اجرا مواجه شدیم که در زیر به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

((اجرای حکم به معنای اخص عبارت است از تحقق بخشیدن مدلول حکم از قبیل گرفتن محکوم به از داد باخقو دادن آن به داد برده و یا تخلیه ملک و مانند آن.

و اجرای حکم به معنای عام عبارت است از اقدام به عملیات اجرایی از ابلاغ اجرائیه تا مرحله تحویل مال به داد برده است . به عبارت دیگر تفاوت اجرای حکم به معنای عام یا خاص در این است که در مفهوم عام، ابلاغ اجرائیه نیز وجود دارد.))^۷

((اجرا در معنای قانونی و قضایی عبارت است از اعمال قدرت عمومی برای تحمیل مفاد حکم قضایی به داد باخته و یا اجبار شخص به انجام تعهدات و الزاماتی که با تمایل و یا به امر قانونی عهده دار گردیده است.))^۸

۶- بهرام بهرامی، اجرای احکام مدنی، (تهران: نشر نگاه بجه، ۱۳۸۸)، ص ۸.

۷- بهرام بهرامی، پیشین، ص ۳۱.

۸- سید جلال الدین، مدنی، آیین دادرسی مدنی (اجرای احکام) (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، جلد سوم) ص ۶.

((اجرای حکم را باید احقاق حق داد برده از طریق توسل به قدرت عموم ی به منظور تحمیل مفاد حکم،

قرار و دستور مقام قضایی به دادباخته که با تمایل حاضر به اجرای مفاد حکم نبوده است، دانست.))^۹

بر طبق تعاریف فوق ارکان اجرای احکام به قرار زیر می باشد:

(۱) وجود حکم، قرار و دستور قضایی

(۲) محکوم له یا داده برده

(۳) محکوم علیه یا دادباخته

(۴) عدم اجرای مفاد حکم از جانب محکوم علیه

(۵) دخالت قوه قهریه عمومی

پس از صدور حکم، قرار و دستور قضایی از طرف مقام قضایی محکوم علیه همیشه طوعاً حاضر به اجرای آن نخواهد بود. بنابراین محکوم له در چنین مواردی با توسل به قوه قهریه عمومی (دایره اجرا) نقضای تحمیل مفاد حکم، قرار و دستور قضایی را به زطن محکوم علیه که با رضایت و تمایل حاضر به اجرای آن نیست را می نماید و دایره اجراء به اجرای آن می پردازد.

بند سوم- انواع اجرای احکام

قبل از این که انواع اجرای احکام گفته شود ، لازم است مفهوم دعوا و انواع دعوا روشن شود. زیرا احکامی که از مراجع قضایی و شبه قضایی صادر می شوند به دنبال دعاوی هستند که اشخاص در مراجع

۹- عارفه مدنی کرمانی، اجرای احکام مدنی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۵) ص ۱۳.

قضایی و شبه قضایی اقامه کرده اند به همین دلیل اول به مفهوم دعوا و بعد به انواع دعوا پرداخته می شود.

۱- مفهوم دعوا: دعوا در لغت به معنای (خواستن، ادعا کردن، نزاع، ادعا، خواهانی، دادخواهی)^{۱۰}

آمده است. در حقوق ایران، تعاریف مختلفی از دعوا ارائه شده است. که از ذکر این تعاریف به دلیل پرهیز از اطاله کلام خودداری می شود. فقط مفهوم دعوا، که طبق نظر یکی از استادان حقوق، دعوا در سه مفهوم بکار رفته است ذکر می شود.

((مفهوم اخص دعوا: دعواتوانایی قانونی مدعی حق تضييع یا انکار شده در مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط است. برای طرف مقابل، دعوا، توانایی مقابله با آن است. این حق در اصل ۳۴ ق.ا به صراحت مورد شراسایی قرار گرفته است. مفهوم اعم دعوا: دعوا در بعضی مقررات، به مفهوم منازعه و اختلافی آمده است که در مرجع قضاوتی مطرح گردیده و تحت رسیدگی بوده یا می باشد. بنابراین دعوا بدین مفهوم، زمانی ایجاد می شود که دعوا در معنای نخست (مفهوم اخص) به وجود آمده و دارنده آن را اعمال نموده و در معرض رسیدگی مرجع قضاوتی قرارداده است. دعوا در اصول ۳۵، ۶۱، ۱۵۶ (بند ۱) و ۱۶۷ ق.ا بدین مفهوم آمده است. مفهوم سوم: دعوا در بعضی موارد به معنای ادعا به کار می رود که البته منظور، ادعایی است که در مرجع

^{۱۰} - حسن عمید، پیشین، ص ۶۰۳.

قضای مطر ح نشده و یا ادعایی است که در خلال رسیدگی به دعوا، به عنوان امری تبعی مطرح می گردد.)^{۱۱}

حال که مفهوم دعوا روشن شد به انواع دعاوی که در مراجع قضایی و شبه قضایی اقامه می شود، پرداخته می شود.

۲- انواع دعوا

با توجه به مراجع رسیدگی کننده به دعوایی، سه نوع دعوا در این مراجع اقامه می شود:

۲-۱. دعوی جزائی یا کیفری:

((دعوائی است که موضوع آن رسیدگی به جرمی از جرائم بوده باشد.))^{۱۲}

۲-۲. دعوی مدنی:

((دعوی ناشی از روابط حقوقی مربوط به حقوق مدنی را گویند.))^{۱۳}

۲-۳. دعوی اداری:

الف. ((مجموعه قواعد حقوقی که به عنوان راه حل به وسیله قضات در یک اختلاف اداری از آن استفاده می گردد؛ دعوی اداری نامیده می شود و دو هدف، دعوی اداری تعقیب می نماید. از یک طرف، باعث مطالعه سازمان دادگاه هایی که وظیفه حل و فصل دعوی بر عهده آنهاست، می شود و از طرف دیگر به مطالعه راه های حقوقی که به ذی نفع اجازه مراجعه به قاضی صالح را می دهد، می پردازد.))^{۱۴}

^{۱۱} - عبدالله شمس، آئین دادرسی مدنی، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰، سه جلد، جلد اول) ص ۲۰۹.

^{۱۲} - محمدجعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۲۹۷

^{۱۳} - همان، ص ۳۰۰

^{۱۴} - محمدجواد رضایی زاده، محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آنها در رسیدگی به دعاوی اداری، (تهران: انتشارات مدیریت، ۱۳۸۴) ص ۲۸۵.